

»

«**شرق**» **حمله ناموفق به یکی از مجتمع‌های کارگاهی وزارت دفاع در استان اصفهان را بررسی می‌کند**

شکست ریزپرنده‌های مهاجم

شرق؛ ساعت ۲۳:۳۰ شامگاه هشتم بهمن برخی منابع محلی در استان اصفهان از شنیده‌شدن صدای انفجار در محدوده خیابان «خانه اصفهان» خبر دادند و محل دقیق وقوع این انفجار را در یکی از مراکز نظامی وابسته به وزارت دفاع و مجتمع‌های کارگاهی این وزارتخانه اعلام شد که

این‌خبر در رسانه‌های محلی و بازنشر آن در شبکه‌های اجتماعی، محمدرضا جان‌نثاری، معاون سیاسی - امنیتی استانداری اصفهان در گفت‌وویی با شبکه خبر سیما علت وقوع این انفجار را حمله‌ای به مرکز نظامی وابسته به وزارت دفاع اعلام کرد و افزود: خوشبختانه این حادثه تلفات جانی نداشته است؛ اما خسارات وارده در دست بررسی و علت و عوامل آن در حال شناسایی است.
ساعتی بعد وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح جزئیات بیشتری از این حادثه به دست داد که در آن علت انفجار «حمله ناموفق با استفاده از ریزپرنده» به یکی از مجتمع‌های کارگاهی این وزارتخانه اعلام شد که

طبق این اطلاعیه با تکیه بر تمهیدات پدافندی، یکی از ریزپرنده‌ها مورد اصابت پدافند هوایی مجتمع قرار گرفت و دو فروند دیگر نیز در تله‌های پدافندی گرفتار و منفجر شدند. وزارت دفاع در بخش دیگری از این اطلاعیه با تأکید بر اینکه این تهاجم ناموفق تلفات جانی نداشته‌ است، درباره میزان آسیب وارده‌شده به این مرکز نظامی، اعلام کرده است: «این حادثه آسیب جزئی به سقف کارگاه وارد کرده که به فضل الهی خللی در تجهیزات و مأموریت‌های مجموعه ایجاد نکرده است. در فضای مجازی هم انتشار کلبی با عنوان «وضعیت فعلی محل انفجار در اصفهان»، نشان‌دهنده برقراری شرایط آرام و عادی در محل است؛ در برخی کانال‌های خبری نیز تصویری با شرح عکس ماهواره‌ای از محلی که مورد حمله ناموفق پهبادی قرار گرفت، منتشر شد که مؤید واردشدن آسیب جزئی به این مرکز نظامی است». البته حسین امیرعبداللہیان، وزیر خارجه ایران نیز دیروز (یکشنبه) و در جریان نشست مطبوعاتی مشترکش با همتای قطری خود در پاسخ به سوآلی درباره اتفاق شنبه‌شب در یکی از مجتمع‌های وزارت دفاع در اصفهان و مسائل مطرح در ارتباط با آن از جمله تأثیرش بر مذاکرات رفع تحریم‌ها تصریح کرد: «در راستای انجام برخی

گزارش «شرق» از سفر وزیر امور خارجه قطر به ایران و نقل‌وانتقال پیام‌های تهران و واشگتن

تلاش دوباره دوحه

شرق؛ وزیر امور خارجه قطر، روز گذشته با حسین امیرعبداللہیان، همتای ایرانی خود در تهران دیدار و رایزنی کرد. محمد بن عبدالرحمن آل ثانی طی این سفر به گفت‌وگو درباره مسائل دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی پرداخت آن‌اگونه که از نشست خبری دو وزیر پیدا بود اهمیت این سفر به نقل و انتقال پیام‌های تهران و واشگتن از کانال دوحه بازمی‌گردد. حسین امیرعبدالہیان در نشست مطبوعاتی مشترک با وزیر خارجه قطر با بیان اینکه از دیدگاه قطر برای ترویج گفت‌وگوهای منطقه‌ای استقبال می‌کنیم و این دیدگاه می‌تواند نقش بسیار مؤثری در سرعت‌بخشیدن به رفع برخی از سوءتفاهم‌ها، مشکلات و تنش‌ها در منطقه داشته باشد، گفت: «ایران همواره از گفت‌وگوی منطقه‌ای استقبال کرده و ما مذاکره و مسئولیت‌پذیری را مقدمات ضروری برای رسیدن به همکاری‌های قوی و پایدار بین یکپاک کشورهای منطقه می‌دانیم و از این موضوع استقبال می‌کنیم». وی همچنین در ادامه با تشکر از تلاش‌های قطر برای اینکه مذاکرات لغو تحریم‌ها به نتیجه برسد تصریح کرد: «قطر تاکنون برای بازگشت طرف‌های برجامی به این توافق و حصول توافق نهایی تلاش‌های زیادی کرده است و امروز نیز پیام‌هایی را از طرف‌های مقابل این مذاکرات از طریق وزیر خارجه قطر دریافت کردیم»- وی در بخش دیگری از صحبت‌های خود به موضوع اوکراین نیز اشاره کرد و افزود: «در دیدار امروز وزیر خارجه قطر در خصوص بحران اوکراین به مسائل مرتبط با آن ایده‌هایی را مطرح کردند. همان‌طوره که پیش از این گفته شده دور اول گفت‌وگوها بین ایران و اوکراین درخصوص برخی از مسائل ادعایی در کشور عمان برگزار شده و ما در پاسخ به تلاش‌ها و ابتکارات قطر از هرگونه اقدامی برای برگزاری دور دوم گفت‌وگوها بین تهران و کی‌یف استقبال می‌کنیم». در ادامه امیرعبداللہیان افزود: «در دیدار با وزیر خارجه قطر در ارتباط با تحولات افغانستان نیز صحبت کردیم. ما اگرچه سطحی از مناسبات را با هیت حاکمه موقت افغانستان برقرار کرده‌ایم اما بر ضرورت تشکیل دولت فراگیر در افغانستان برای بازگشت ثبات و آرامش به این کشور تأکید داریم». او در بخش دیگری از صحبت‌های خود در پاسخ به پرسش مطرح‌شده، تصریح کرد: «معتقدیم در شرایطی قرار داریم که از مرحله گفت‌وگوها می‌توانیم به خوبی عبور کنیم و باید وارد مرحله بعدی که همکاری‌های پایدار است شویم». وزیر خارجه ایران همچنین در پاسخ به سؤال دیگری درباره اتفاق شب گذشته در یکی از مجتمع‌های وزارت دفاع در اصفهان و مسائل مطرح‌شده در ارتباط با آن از جمله تأثیر آن بر مذاکرات رفع تحریم‌ها تصریح کرد: «در راستای انجام برخی از اقدامات ایران و نامن‌سازی ایران این اقدام بزرگانه دیروز انجام شد. دستگاه‌های امنیتی ما در راستای تأمین امنیت حداثکتری کشور تلاش و فعالیت می‌کنند». وی همچنین گفت: «چنین اقداماتی نمی‌تواند در نیت و اراده متخصصان ما برای پیشرفت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای کشور تأثیری بگذارد». در آن سوو وزیر امور خارجه قطر هم طی نشست خبری مشترکش با امیرعبداللہیان با ابراز خرسندی از حضور در تهران و انجام گفت‌وگو و رایزنی با مقامات ایران، گفت: «در دیدار امروز با آقای امیرعبداللہیان بر اهمیت گسترش همکاری‌های تجاری



امنیتی، نظامی و دفاعی برای مقابله سخت‌تر خواهد بود. در بعد دیگر چون کنترل این ریزپرنده‌ها باید در محدوده‌های چندکیلومتری انجام شود. ازاین‌رو مفسر حوزه سیاست خارجی، سناریوی دخالت با استفاده سرزمینی کشورهای همسایه در انجام این حمله را مردود می‌داند؛ درعین‌حال سلیمیی تأکید دارد که به‌همین‌دلیل (اهمیت استفاده از ریزپرنده به جای پهباد) باید نسبت به مسئله نفوذ در داخل کشور حساسیت جدی‌تری داشت؛ چون این کارشناس با مانور روی این پرسش که چگونه چند ریزپرنده تهیه شده و مواد انفجاری در آن به کار رفته است؟ و مهتر از همه چگونه تیم تروریستی توانسته آن را در نزدیکی اماکن نظامی و دفاعی مورد استفاده قرار دهد؟ به «شرق» از اهمیت فوق‌العاده بالای جواب این سوآل‌ها می‌گوید؛ چراکه به باور

او این پاسخ‌ها، پارامتری است که به شکل جدی بین‌الملل اعتقاد دارد هدف اصلی این حمله، نه ایجاد تخریب و هزینه گسترده به تأسیسات نظامی و دفاعی ایران، بلکه شکل‌گیری یک شوک روانی در افکار عمومی مبنی بر ناتوانی پاسخ‌گویی سامانه پدافندی بوده است. گروه با کشور منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای مسئول این اتفاق بوده است؟ چون با تأکید مجدد سلیمی، هدف اصلی این حمله ناموفق در استان اصفهان صرفا ایجاد یک شوک روانی در افکار عمومی بوده است. اینکه مردم نگران شوند یک ریزپرنده در مرکز ابران بتواند نقاط نظامی و

منتهی، نظامی و دفاعی برای مقابله سخت‌تر خواهد بود. در بعد دیگر چون کنترل این ریزپرنده‌ها باید در محدوده‌های چندکیلومتری انجام شود. ازاین‌رو مفسر حوزه سیاست خارجی، سناریوی دخالت با استفاده سرزمینی کشورهای همسایه در انجام این حمله را مردود می‌داند؛ درعین‌حال سلیمیی تأکید دارد که به‌همین‌دلیل (اهمیت استفاده از ریزپرنده به جای پهباد) باید نسبت به مسئله نفوذ در داخل کشور حساسیت جدی‌تری داشت؛ چون این کارشناس با مانور روی این پرسش که چگونه چند ریزپرنده تهیه شده و مواد انفجاری در آن به کار رفته است؟ و مهتر از همه چگونه تیم تروریستی توانسته آن را در نزدیکی اماکن نظامی و دفاعی مورد استفاده قرار دهد؟ به «شرق» از اهمیت فوق‌العاده بالای جواب این سوآل‌ها می‌گوید؛ چراکه به باور

او این پاسخ‌ها، پارامتری است که به شکل جدی بین‌الملل اعتقاد دارد هدف اصلی این حمله، نه ایجاد تخریب و هزینه گسترده به تأسیسات نظامی و دفاعی ایران، بلکه شکل‌گیری یک شوک روانی در افکار عمومی مبنی بر ناتوانی پاسخ‌گویی سامانه پدافندی بوده است. گروه با کشور منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای مسئول این اتفاق بوده است؟ چون با تأکید مجدد سلیمی، هدف اصلی این حمله ناموفق در استان اصفهان صرفا ایجاد یک شوک روانی در افکار عمومی بوده است. اینکه مردم نگران شوند یک ریزپرنده در مرکز ابران بتواند نقاط نظامی و

منتهی، نظامی و دفاعی برای مقابله سخت‌تر خواهد بود. در بعد دیگر چون کنترل این ریزپرنده‌ها باید در محدوده‌های چندکیلومتری انجام شود. ازاین‌رو مفسر حوزه سیاست خارجی، سناریوی دخالت با استفاده سرزمینی کشورهای همسایه در انجام این حمله را مردود می‌داند؛ درعین‌حال سلیمیی تأکید دارد که به‌همین‌دلیل (اهمیت استفاده از ریزپرنده به جای پهباد) باید نسبت به مسئله نفوذ در داخل کشور حساسیت جدی‌تری داشت؛ چون این کارشناس با مانور روی این پرسش که چگونه چند ریزپرنده تهیه شده و مواد انفجاری در آن به کار رفته است؟ و مهتر از همه چگونه تیم تروریستی توانسته آن را در نزدیکی اماکن نظامی و دفاعی مورد استفاده قرار دهد؟ به «شرق» از اهمیت فوق‌العاده بالای جواب این سوآل‌ها می‌گوید؛ چراکه به باور

او این پاسخ‌ها، پارامتری است که به شکل جدی بین‌الملل اعتقاد دارد هدف اصلی این حمله، نه ایجاد تخریب و هزینه گسترده به تأسیسات نظامی و دفاعی ایران، بلکه شکل‌گیری یک شوک روانی در افکار عمومی مبنی بر ناتوانی پاسخ‌گویی سامانه پدافندی بوده است. گروه با کشور منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای مسئول این اتفاق بوده است؟ چون با تأکید مجدد سلیمی، هدف اصلی این حمله ناموفق در استان اصفهان صرفا ایجاد یک شوک روانی در افکار عمومی بوده است. اینکه مردم نگران شوند یک ریزپرنده در مرکز ابران بتواند نقاط نظامی و



●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

پیمان ابراهیم را امضا کردند؛ اما به باور شاکری، ابوظبی درعین‌حال تنها کشوری است که پس از حمله به سفارت عربستان سعودی در تهران و کنسولگری این کشور در مشهد روابط خود را با جمهوری اسلامی ایران در سطح سفیر هم احیا کرد و سفیر خود را به تهران بازگرداند. این دو اقدام اماراتی‌ها از منظر تحلیلگر حوزه سیاست خارجی به معنای آن است که امارات متحده عربی در یک هوشمندی و انعطاف دیپلماتیک سعی دارد با یک توازن‌بخشی از برک‌های برنده خود ذیل تدایوم و تشدید روابط با جمهوری اسلامی ایران و هم‌زمان با آن اسرائیل نهایت استفاده را ببرد. به‌همین‌دلیل انور قرقاش به فاصله چند ساعت از حمله ناموفق به مراکز دفاعی و نظامی ایران در استان اصفهان دست به توییت می‌شود و اظهار نگرانی می‌کند. این در حالی است که تحلیلگر مسائل حوزه عربی نقبی به واکنش چند روز قبل اماراتی‌ها درباره عملیات استشهادهای در سرزمین‌های اشغالی می‌زند که از سوی ابوظبی محکوم شد. در تشریح این دوگانگی در موضع‌گیری سیاست خارجی امارات، شاکری تأکید دارد که ابوظبی از یک سو با اظهار نگرانی در قبال حمله به تأسیسات دفاعی ایران و در سوی دیگر محکوم‌کردن عملیات‌های استشهادی درصدد است بال‌های سیاست خارجی را، هم در تهران و هم در عمان لایب‌گستراند. به‌خصوص آنکه مفسر تحولات غرب آسیا معتقد است متهم دلیل ردیف اول هرگونه حمله پهبادی، ترور، جاسوسی و خرابکاری هسته‌ای و نظامی و در خاک ایران فقط و فقط اسرائیل است. به‌همین‌دلیل کارشناس مسائل بین‌الملل اظهار کرده که «شرق»، اظهار نگرانی توییتری قرقاش را همان تلاش برای تطهیر و توازن‌بخشی تعبیر می‌کند.

نکته پایانی پرویز شاکری از آن نظر اهمیت دارد که در تبین این‌ واقعتی اظهارنظر توییتری محمد مردنی نیز سیبل اتهامات را به سمت تل‌آویو چرخانده است. مشاور رسانه‌ای تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای دولت رئیسی با اشاره به حمله پهبادی ناموفق در اصفهان هشدار داد که این‌گونه اقدامات بدون پیامد نخواهد بود. محمد مردنی در پیامی در صفحه توییتر خود با اشاره به عملیات ناموفق پهبادی شب گذشته در نزدیکی اصفهان نسبت به عواقب چنین اقداماتی هشدار داد و نوشت: «هفته خوبی برای رژیم آپارتاید (صهیونیستی) چه در داخل و چه در خارج نیست. با این حال، حتی اگر نتایج‌هاو متحدان تروریستی تحت حمایت غرب او در شمال عراق شکست خورده باشند، عواقبی در انتظارشان خواهد بود. هر دو آنها باید یاد بگیرند که تنبیه با شکست نیز همراه است.»

دفاعی کشور را هدف قرار دهد، باید با حساسیت بالا پیگیری شود و بدون مامشات و در کمترین فرصت ممکن با عوامل آن برخورد صورت بگیرد.
یک واکنش
وزیر مشاور امارات در امور خارجه تنها به فاصله چند ساعت به حمله ناموفق به یکی از مجتمع‌های کارگاهی وزارت دفاع در استان اصفهان که شب گذشته اتفاق افتاد، واکنش نشان داد و گفت این اتفاقات به سود منطقه نیست. انور قرقاش، وزیر مشاور دولت امارات در امور خارجه، در صفحه توییتر خود نوشت که تنش‌های خطرناک منطقه که به‌تا‌زگی شاهد آن در چند نقطه هستیم، از جمله انفجاری که در اصفهان اتفاق افتاد، به سود منطقه و آینده آن نیست. او نوشت: «با وجود اینکه مشکلات منطقه پیچیده است؛ اما هیچ جایگزینی برای گفت‌وگو و راه‌حل‌های سیاسی برای دورشدن از تنش‌ها نیست». قرقاش تأکید کرد که رسیدن به راه‌حل‌های سیاسی می‌تواند تنش‌های منطقه را کاهش و ثبات و امنیت منطقه را حفظ کند.

پرویز شاکری در تبیین این واکنش توییتری انور قرقاش به سیاست خارجی امارات متحده عربی در توازن‌بخشی دیپلماتیک بین تهران و تل‌آویو اشاره می‌کند. در تشریح این توازن‌بخشی، مفسر مسائل خاورمیانه یادآور می‌شود که امارات متحده عربی در کنار بحرن دو کشوری بودند که به صورت رسمی، روابط دیپلماتیک خود را با اسرائیل برقرار کردند و

سال جاری برگزار کرد. اما به باور این کارشناس مسائل خاورمیانه، دوحه به تنهایی قدرت احیای برجام را ندارد. کما اینکه از نگاه او نشست قطر برای احیای برجام هم به شکست رسید. در تأیید این گزاره، قائمی مهر یادآور می‌شود که اکنون شکاف و گسل بین تهران و غرب در همه مسائل به خصوص برجام به یک سطح بی‌سابقه رسیده است، به همین دلیل قطر نمی‌تواند صرفا با این سفر یک اقدام تمام‌کننده را در جهت ازسرگیری گفت‌وگوها و احیای برجام داشته باشد. با چنین برآوردي، قائمی‌مهر به ذکر مشکلاتی برای موفقیت دوحه می‌پردازد که مهم‌ترین آن این‌ملل‌ماندن اختلافات پادمانی است. البته تحلیلگر حوزه سیاست خارجی در ادامه ارزیابی خود به سرفصل کلیدی‌تری ورود می‌کند و تأکید دارد که اکنون برای اروپایی‌ها و آمریکا در ظاهر احیای برجام در دستور کار نیست. چون از دیدگاه قائمی‌مهر، غرب سعی دارد برخلاف ادعاهای خود، توافق جدیدی را مطرح و آن را به ایران تحمیل کند. از این منظر کارشناس مسائل بین‌الملل این احتمال را می‌دهد که

قطری‌ها حامل پیامی از سوی ایالات متحده و اروپا برای ایران در جهت ترسیم مسیر توافق جدید باشند؛ توافقی که امتیازات بیشتری را از ایران مطالبه می‌کند و این موضوع خط قرمز ایران است. ازاین‌رو به باور قائمی‌مهر، تهران نیز سعی دارد در یک اقدام تاکتیکی به لحاظ دیپلماتیک دوباره مذاکرات را از سر بگیرد. در حالت دوم قائمی‌مهر شناس این را هم می‌دهد که ایران با توجه به شرایط توافق را بپذیرد که در این صورت فقط برجام سال ۲۰۱۵ خواهد بود نه توافق جدید. پیرو نکته مذکور این مفسر یادآور می‌شود که پیام‌های دیروز تهران به غرب از کانال قطری‌ها هم می‌تواند مبین آن باشد که ایران نیز به دنبال ازسرگیری مذاکرات است؛ مذاکراتی با همان بسته پیشنهادی جوزپ بورل که بدون هیچ‌گونه پیش‌شرطی از جانب تهران است. اما مشکل آنجاست که این تحلیلگر اعتقاد دارد اروپا و به‌خصوص آمریکا سعی دارند با تدایوم و تشدید فشار علیه تهران توافق جدید را به ایران تحمیل کنند. در ادامه گفته‌های قائمی‌مهر، محمدرضا محمدی دیگر کارشناس در گپ‌وگفتش با

«شرق» از وضعیت پیچیده فعلی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و تهران می‌گوید و در این رابطه اعتقاد دارد مسائل عدم احیای برجام به‌ویژه زیاده‌خواهی غرب از اهمیتی برخوردار است که ازسرگیری مذاکرات هم لزوما تضمینی برای حصول توافق نخواهد بود. البته این تحلیلگر ضمن تأکید بر این‌نکته که افق مبهمی در زمینه آغاز مذاکرات وجود دارد، تدایوم میانجیگری‌های قطر، عمان و همه کشورهای منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای را مثبت ارزیابی می‌کند. در ادامه تحلیلگر حوزه بین‌الملل خاطر‌نشان می‌کند که اخیرا سناریوی مذاکرات جراح‌خاموش و گفت‌وگوهای پیش‌برده مطرح شده است. البته این تحلیلگر مسیر را بن‌بست نمی‌بیند و در عین حال معتقد است میانجیگری‌های قطر و دیگر کشورها در این شرایط به معنای گشایش کامل نخواهد بود، بلکه تلاش‌هایی است که از تصاعد تنش جلوگیری خواهد کرد و از این منظر مؤثر است. اما اینکه چرا قطر در میانه بحران سیاست خارجی پیامی را از سوی غرب برای ایران ارسال کرده است؟ سوآلی است که این تحلیلگر مشابه با قائمی‌مهر در پاسخش به «شرق» از احتمال تلاش دولت بایدن با هدف حصول توافقی با تهران که البته ذیل پیش‌شرط‌های جدید است، خبر می‌دهد و پیرون آن یادآور می‌شود واشگتن از یک سو نمی‌تواند مسئولیت و تبعات مستقیم شکست رسمی مذاکرات را بپذیرد و در عین حال دیگر به توافقی برای احیای برجام هم بسنده نمی‌کند.

یادداشت

اتحاد نظامی–مالی نابرابر پاکستان و عربستان سعودی



فقط شش هفته پس از انتصاب ژنرال امیر منیر به عنوان رئیس ستاد نیروهای مسلح پاکستان، او در پنجم ژانویه برای دیدار با وزیر دفاع و ولیعهد عربستان، محمد بن‌سلمان راهی عربستان سعودی شد. چهار روز بعد، ژنرال امیر منیر با محمد بن‌زاید آلنهیان، رئیس دولت امارات متحده و مشاوران امنیت ملی او نیز دیدار کرد. سفر شتاب‌زده امیر منیر به پادشاهی وهابی پس از انتصابش تصادفی نیست. مدیر کل سابق ISI، سازمان اطلاعاتی پاکستان، از اوایل دهه ۲۰۰۰ میلادی وابسته نظامی سفارت پاکستان در عربستان بود و با توجه به روابط دیرینه‌اش با ریاض، از میزان همکاری نظامی میان دو کشور به‌خوبی مطلع است.

بنا بر اظهارات رسانه‌های سعودی هدف از این سفر «تأکید بر استحکام و دوام روابط دوجانبه بین دو کشور برادر و نیز بحث درباره همکاری‌های فی‌مابین در امور دفاعی و راهکارهای تقویت آن و همچنین بحث در خصوص مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی مربوط به هر دو کشور» بوده است. این بیانات به‌خوبی خطوط کلی روابط پاکستان و عربستان سعودی را خلاصه می‌کند، با این تفاوت که یکی از شناخته‌شده‌ترین و مخفی‌ترین جنبه‌های آن را عمدا پنهان می‌کند، واقعیت این است که پاکستان از سال ۱۹۹۹ قدرت هسته‌ای و ارتش پیشرو از نظر قابلیت‌های عملیاتی در جهان اسلام به حساب می‌آید. از دهه ۱۹۷۰ میلادی پاکستان به‌طور غیررسمی زرادخانه هسته‌ای خود را در ازای تأمین مالی برای برنامه‌های هسته‌ای خود در عوض حق استفاده از تسلیحات تولیدشده در اختیار عربستان سعودی قرار داده است.

بیش از ۲۰ سال است که پویایی روابط دیپلماتیک بین دوکشور به‌ویژه در حوزه مسائل دفاعی این حمایت بسیار خاص را تأیید می‌کند. شکی نیست که هدف امیر منیر از سفر به ریاض اطلاع‌رسانی به مقامات سعودی درباره گسترده‌گی این زرادخانه بوده است. روابط پاکستان و عربستان سعودی در جهان اسلام منحصر‌به‌فرد است. پاکستان که خود را «سرزمین پاکان» معرفی کرد، در ابتدا به دلیل جمعیت بسیار زیاد مسلمان سننی، موقعیت استراتژیک آن بین آسیا و خاورمیانه، پویایی جامعه سیاسی، حکومت جمهوری اسلامی و مهارت‌های نظامی یک رقیب نگران‌کننده برای پادشاهی وهابی به حساب می‌آمد. اما پاکستان همچنان قربانی سیاست‌های عمومی مخاطره‌آمیز و توسعه‌شده است که کشور را در اختیار قدرت‌های خارجی ثروتمند قرار داده و عربستان سعودی از دهه ۱۹۶۰ میلادی به خوبی با اهداف آیدئولوژیک پنهان این نقش را

بر عهده گرفته است. علاوه بر این، هزینه خدمات بهترین ارتش جهان اسلام نیز پرداخته می‌شود. در حال حاضر اسلام‌آباد در بحران‌های متعددی مواجه است و پول بیش از هر زمان دیگری یکی از انگیزه‌های اصلی همکاری بین پاکستان و عربستان است. بحران اقتصادی پاکستان با کاهش رشد و تورم ۲۰ درصدی، کاهش شدید ارزش روپیه و بدهی خارجی ۱۳۸ میلیارد دلاری، طبق گفته صندوق بین‌المللی پول، که نزدیک به ۴۰ میلیارد آن به چین مربوط می‌شود، رو به وخامت گذاشته است. این بحران اقتصادی با بحران پولی نیز همراه شده است، زیرا در آغاز سال ۲۰۲۳ این کشور واقعا توانایی پرداخت بدهی‌های خود را ندارد. ذخایر ارزی پاکستان به پایین‌ترین حد خود یعنی حدود شش میلیارد دلار رسیده که تنها برای سه هفته واردات کشور کافی می‌کند و این موضوع به نوبه خود منجر به بحران انرژی شده است. در سوم ژانویه دولت طرحی را به منظور کاهش مصرف برق ارائه کرد، زیرا واردات نفت و گاز به اندازه کافی برای اراداندازی نیروگاه‌ها امکان ندارد.

در نهایت، بحران اساسی زیست‌محیطی و اجتماعی را که بدون شک مهم‌ترین چالش پاکستان در سال‌های آینده است، نمی‌توان نادیده گرفت. موقعیت جغرافیایی پاکستان با قرارگرفتن در دامنه یخچال‌های طبیعی هیمالیا، این کشور را به‌ویژه در برابر تأثیرات تغییرات آب‌وهوایی، ذوب‌شدن یخچال‌ها و سیل‌های ناشی از رودخانه سند و شاخه‌های آن آسیب‌پذیر می‌کند. در حال حاضر، پاکستان حتی منابع لازم را برای بازسازی پس از سیل ویرانگر تابستان گذشته که تقریبا یک‌سوم کشور را زیر آب برد و بیش از ۲۳ میلیون نفر را تحت تأثیر قرار داد و هزار و ۷۰۰ نفر قربانی گرفت، ندارد.

فرانسه ۳۶۰ میلیون یورو به بازسازی این کشور کمک کرده است که در مقایسه با تعهد ۲ میلیارد دلاری عربستان برای حمایت از اقتصاد پاکستان در چهار سال و دو میلیارد دلاری امارات متحده عربی همراه با تمدید یک میلیاردی برای جلوگیری از نکل پرداخت، حمایت ناچیزی محسوب می‌شود. صندوق بین‌المللی پول معتقد به پرداخت وام فتم میلیارد دلاری شده است، اما تنبیهی از آن به اسلام‌آباد پرداخت شده و دولت پاکستان تمایلی به رعایت شرایط این نهاد برای کاهش بارانه‌های بخش انرژی و افزایش مالیات بر درآمد ندارد.

در این میان، اهدافکنندگان نیز هستند که با درخواست کمتر، به آنچه پاکستان می‌تواند ارائه دهد، علاقه بیشتری نشان می‌دهند. عربستان سعودی از توسعه روابط بین پاکستان و چین که تاکن، جت‌های جنگنده و ناوچه‌های موشکی را در اختیار ارتش پاکستان قرار می‌دهد، سود می‌برد. حتی اگر کیفیت تسلیحات چینی از نتوان با تجهیزات آمریکایی مقایسه کرد، اتحاد پاکستان با چین به‌ویژه برای اهداف حکومت‌های نفتی خلیج فارس که به حمایت امنیتی ایالات متحده امیدوار نیستند، و به دنبال جایگزین‌های منطقه‌ای هستند، بسیار جالب توجه است.

با این حال، تعهد متقابل بین پاکستان و عربستان سعودی همچنان مهم است. مسلما پاکستان به حکومت‌های نفتی عرب و سنی بسیار نزدیک است، با این وجود این کشور هرگز روابط خود را با ایران قطع نکرده است. با وجود اینکه پادشاهی عربستان سعودی به ارتش پاکستان نیاز دارد و فعالیت‌های آن از یک سو نشان‌دهنده نوعی تب و تاب در مواجهه با ایران هسته‌ای است که به روسیه نزدیک‌تر می‌شود و از سوی دیگر برای مواجهه با اسرائیل که توسط برتری طبلان اداره می‌شود، حمایت این کشور از اسلام‌آباد به‌خصوص در مورد کشمیر که ریاض همواره از قراردادن آن در دستور کار سازمان همکاری اسلامی خودداری کرده، نسبی است. در مواجهه با چالش‌های ژئوپلیتیکی، همبستگی اسلامی نیز محدودیت‌های خاص خود را دارد.